

حاشیه ها و دستاوردهای سفر تاج به استان

تاج رئیس فدراسیون فوتبال دو روز به اردبیل سفر کرد و بعد از دیدار و گفتگو با مسوولین ورزش و فوتبال رفت تا در ارتباط با سرنوشت فوتبال استان بعد از سال ها بلاتکلیفی تصمیم گیری بکند. این سفر، مسایل، حاشیه ها، حرف و حدیث ها و دستاوردهای مختلف داشت. اما قبل از پرداختن به مسایل ابتدا به عزیزانی که بعد از انتشار مطالب بساط تهمت، ناروا و هتک حرمت را باز خواهند کرد و تحت عناوینی چون فوتبال اردبیل به طرفداری از هیات استان؛ ما را میهمان عناوین مختلف خواهند کرد

باید بگوییم که همه گفته ها و نوشته های ما دارای دلیل و مستندات کافی است و بهتر خواهد بود که آقایان سینه چاک، جواب منطقی بدهند و افکار عمومی را در جریان بگذارند. باید آقایان بدانند که دیگر حنای آنها رنگی ندارند. چرا که در زیر نقاب، فحش دادن و هتک حرمت کردن می تواند کار هر کسی باشد. مرد آن بوده و خواهد بود که اگر مطلبی می نویسد و یا ناسزایی می گوید و یا به نوشته های ما اعتراض دارد جرئت به خرج بدهد و همتی بکند و اسم خود را در مطلبش قید بکند. این که کسی نتواند آشکارا و به وضوح سخن بگوید و با پیشانی باز از گفته هایش دفاع بکند نشان دهنده باطل بودن ادعا و حرف های بی پایه آنها می باشد.

دروغ گفتن و تهمت زدن کار مرد های مرد نیست. مرد آن است که امضای خودش را در زیر نوشته هایش بگذارد و در هر مکان و لحظه ای از ادعاهای خود دفاع بکند.

ما نمی توانیم ادعا بکنیم که همه گفته ها و نوشته های ما درست و عاری از هرگونه خطا می باشد. اگر به اشتباه خود پی ببریم این شهادت را داشته و داریم که از محضر همه خوانندگان نشریه و ورزشی ها عذرخواهی بکنیم و هیچوقت به مانند برخی ها بر حرف های بی مدرک و اعمال نسنجیده خود پافشاری نکرده و خود را عاری از خطا نمی دانیم. حاشیه های این سفر و برداشت هایی که از کنار هم گذاشته شدن بسیاری از موارد حاصل شده است را خواهیم نوشت و مسلما اگر دوستان کانال نویس هوادار و طرفدار حاکمان فوتبال جوابی داشته باشند و آن را به ما ارسال بکنند انعکاس آنها وظیفه ما بوده و خواهد بود و در نهایت امیدواریم آقایان حداقل بعد از سفر تاج و برخی دوستانشان به استان در روش برخورد با منتقدان تجدید نظر

بکنند و با مدد گرفتن از راه و رسمی عقل پسند و تاثیرگذار در راستای باز شدن گره های فوتبال اردبیل همکاری کنند. منتقدان را دشمن خونی حافظ نشینان به حساب نیاورند و حداقل به نظر و افکار و استدلال آنها احترام بگذارند و به جای ناسزا گفتن و تهمت زدن و رفتارهای غیر انسانی برای هرچه بیشتر روشن شدن مسائل از راه منطق وارد بشوند.

استقبال از تاج در فرودگاه

استقبال از تاج در فرودگاه در شان مردم منطقه و فوتبال استان نبود. بیشتر نفرات حاضر چهره های نام آشنایی نبودند. از بزرگان فوتبال حاج مسعود هوشمندی، مصطفی فیروزی و بهنام دولت مشاهده می شد. می گفتند که هوشمندی و فیروزی را اداره کل ورزش و جوانان دعوت کرده و بهنام دولت نیز به عنوان یکی از اعضای هیات فوتبال استان به استقبال آمده بود.

چرا بزرگان فوتبال به این مراسم دعوت نشده بودند؟ آیا همه بضاعت فوتبال استان و سرمایه بزرگان آن، همان تعداد محدود می باشد؟ چه سیاستی در پشت اینگونه تفکرات لانه کرده است؟ آیا حضور بزرگان، زحمت کشیده ها و شناخته شده های فوتبال منطقه برای برنامه ها، اهداف و نقشه های عده ای، ضرر و زیان می تواند به همراه داشته باشد؟

این که گفته می شود بین فوتبالی ها و بزرگان این رشته با هیات فوتبال استان فاصله ایجاد کرده اند مدرکش همان سفر تاج به استان است که در هیچ برنامه ای توجهی به بزرگان و پیراهن پاره کرده های این رشته نشد. آیا از آنهایی که از مالک بابک درخواست رزومه می کنند می توان بیشتر از این انتظار داشت؟

دوستان تعریف می کردند که برخی ها در فرودگاه طوری رفتار کرده اند تا از نزدیک شدن غیر خودی ها به رئیس فدراسیون جلوگیری بکنند. می گفتند به رضا آستانه که به حق زحمت فوتبال و فوتبالی ها را در سرعین را تحمل می کند و آشنایی قبلی نیز با تاج دارد، اجازه داده نشده است که برای انتقال تاج به سرعین اقدام بکند. این اتفاق در حالی افتاده است که آستانه رئیس هیات فوتبال سرعین و زیر مجموعه هیات استان می باشد.

به هر حال در همان گام اول در فرودگاه مشخص شد که وقتی ادعا می شود در فوتبال استان به پیشکسوتان، بزرگان و پیراهن پاره کرده ها بی توجهی می شود و حتی برخی از اعضای هیات فوتبال و مدعیان خدمت با نام و قیافه پیشکسوتان آشنا نیستند به اثبات رسید. آیا پیشکسوتان فوتبال و کارنامه دارها در فوتبال شایسته حضور در فرودگاه و ملاقات با رئیس فدراسیون نبودند؟

سرعین مقر فرما ندهی

یکی از نکات مورد توجه این سفر استقرار تاج در سرعین تا آخرین لحظات حضور در اردبیل بود. محل اسکان رئیس فدراسیون هتل لاله سرعین بود. همه جلسات و دیدارهای وی در آن هتل انجام پذیرفت. راستی آیا رواست که رئیس یک نهاد که برای بررسی مشکلات یک رشته ورزشی و دیدار با هواداران و ورزشکاران آن رشته به استان مسافرت کرده در سرعین و هتل لاله استقرار یابد و بدین وسیله دسترسی علاقه مندان محدود و محدود تر گردد؟

اگر بازیکنی و یا یک مربی و یا علاقه مندی می خواست به دیدار رئیس فدراسیون مشرف شود به چه ترتیبی می توانست اقدام نماید؟ چرا حداقل امکان دیدار نمایندگان طرفداران و هواداران با رئیس فوتبال فراهم نشد؟ رئیس فدراسیون فوتبال جلسات و دیدارهایش را باید در محل هیات فوتبال برگزار می کرد و دسترسی علاقه مندان به وی تسهیل می شد. آن موقع دیگر برخی ها نمی توانستند ادعا بکنند که کل مخالفان آنها به ۷ نفر نمی رسد.

این برنامه را اداره کل به رئیس فوتبال تنظیم کرده بود و این کار نیز از دستپخت های هیات فوتبال استان بود؟ تاج به عنوان رئیس فدراسیون تافته جدا بافته نبوده و نیست. وظیفه او گوش کردن به حرف دل مردم و عمل در راستای خواست و نیاز آنها می باشد. اگر به خود تاج پیشنهاد می شد که در چه محلی می خواهی جلسات خود را برگزار بکنی بدون شک او محل هایی چون اداره کل و هیات فوتبال را انتخاب می کرد ولی افسوس که با برنامه ریزی صورت گرفته دست علاقه مندان را از رئیس فدراسیون کوتاه کردند.

فراموشی مربیان زحمتکش

رفتارهایی که در جریان این سفر از سردمداران فوتبال اردبیل سر زد اگر به درستی بررسی شود دل هر علاقه مندی را به درد می آورد. وقتی آقایان به کلاس های پایه و استعداد یابی ها افتخار می کنند پس چرا در چنین مواقعی عاملین اصلی این موفقیت ها فراموش می شوند و کسی سراغی از آنها نمی گیرد؟ مربیانی که در گرما و سرما و در عین گمنامی با عشق به فوتبال و آینده جوانان این دیار عرق می ریزند و زحمت می کشند چرا مورد بی توجهی قرار می گیرند؟ مربیان زحمتکش فوتبال پایه استان ارزش این را ندارند که برای دقایقی هر چند کوتاه با رئیس فدراسیون درد دل بکنند؟ این سفر مگر بر طبق ادعای آقایان هدفش بازدید از امکانات نبود؟ کدام یک از امکانات فوتبالی استان در دید رئیس فدراسیون قرار گرفت؟

آیا آقایان نمی توانستند در همان جلسه ای که روسای هیات های شهرستان ها را دعوت کرده بودند از مربیان پایه و زحمتکش نیز می

خواستند در جلسه حضور یابند و با رئیس فوتبال کشور درد دل نمایند؟

آیا آقایان از حضور مربیان ترس و واهمه ای داشتند که این کار را انجام ندادند؟ اگر مسوولی به عملکرد خود اطمینان داشته باشد نباید از حضور مخالفان در چنین جلساتی ترس داشته باشد. اگر قرار بود تاج در سفر به اردبیل در جلساتی با حضور مدیر کل، رئیس سابق هیات فوتبال استان و تنی چند از هواداران هیات حضور یابد نیازی به آمدن تاج و تحمیل هزینه به استان نبود. این کار در عین سادگی در تهران امکان پذیر می شد. اصلا به جرئت می توان گفت که ما در این سفر فلسفه آن را فراموش کردیم و فرع را بر اصل ترجیح دادیم.

دیدار با تاج

علی رغم محدودیت های زیاد، نگارنده این سطور موفق شد برای دقایقی رئیس فدراسیون را ملاقات بکند. در هوای خوب و دلپذیر و مطبوع سرعین و در حالی که پاسی از شب گذشته بود در برابر تاج قرار گرفتم تا شاید بتوانم گوشه ای از حقایق و واقعیت های فوتبال اردبیل را به سمع و نظر او برسانم.

در این ملاقات افتخار داشتم که به همراه تنی چند از بزرگان، تاج را در جریان امور فوتبال منطقه قرار بدهم. اموری که در بسیاری از موارد کمتر به آن ها پرداخته شده و بیشتر بر روی آنها گرد و غبار فراموشی نشسته است.

تاج با حوصله و سعه صدر به حرف های ما گوش کرد و بیشتر مطالب مطرح شده توسط ما را تایید کرد و از شنیدن برخی از آنها نیز تعجب نمود و زمانی که با برهان و ادله لازم مواجه شد جز قبول و پذیرش آنها چاره ای دیگر مشاهده نکرد.

در جریان ملاقات با رئیس فدراسیون به خوبی بر من حقیر روشن و آشکار شد که بحث فوتبال اردبیل و ادامه دار شدن ریاست بر آن و برگزار نشدن مجامع سالیانه و انتخاباتی و دیگر مواردی که می تواند با فوتبال مطرح شود با راهنمایی های استان و از داخل فدراسیون هدایت می شود.

در این سفر گوشه ای از حقایق به تاج روشن شد و متوجه گردید که برخی ها برای حمایت از بعضی ها چه کارهایی که انجام نمی دهند و این امر می تواند بزرگ ترین دستاورد تلقی گردد. اگر وی در کوتاه کردن و از بین بردن این اقدامات اراده بکند می تواند بسیاری از مشکلات فوتبال کشور و استان ها را برطرف نماید.

بزرگ نمایی دوم شدن هیات استان در کشور

از تاج سؤال شد که آیا با بودن استان هایی چون اصفهان، آذربایجان

شرقی، خراسان رضوی، تهران، البرز و ... شما می توانید بپذیرید که هیات فوتبال استان اردبیل در سطح کشور در جای دوم قرار بگیرد؟ تاج با سکوت خود جواب ما را داد و وقتی شنید که ساکت نامه را امضاء کرده است گفت که وی دو روز نیست که مسؤولیت دبیر کلی را بر عهده گرفته است و گفتیم حالا شما باید بررسی بکنید و ببینید که در فدراسیون تحت مدیریت شما چه می گذرد و چگونه با خواست عده ای به حقایق لباس جعل و تحریف پوشیده می شود؟

مشخص است که نامه توسط امور استان های فدراسیون تنظیم شده است و به امضای دبیر کل فدراسیون رسیده است. مسؤول امور استان های فدراسیون ، طالقانی رئیس هیات فوتبال استان خوزستان است. به نظر می رسد رؤسای هیات های استانی که در سال های اخیر با وحدت و تصمیمات هماهنگ توانسته اند در فدراسیون تاثیر گذار باشند به هیچ وجه دوست ندارند رؤسای همسوی خود در استان ها را از دست بدهند و بنا بر این تلاش می کنند با توسل به برخی از رفتارها و حرکت های غیر منطقی عملکرد هیات های دوست، برادر و همسو را بزرگ جلوه بدهند و به نوعی از متزلزل شدن موقعیت آنها ممانعت کنند.

رهبری هیات های استانی نیز در این جریان ها با طالقانی رئیس هیات فوتبال استان خوزستان و مسؤول امور استان های فدراسیون و بهاروند رئیس هیات فوتبال استان لرستان و رئیس سازمان لیگ می باشد. در سفر تاج به اردبیل طالقانی او را همراهی می کرد و گفته ها حاکی از حمایت تمام قد و بی قید و شرط وی از هیات استان می باشد و بهاروند نیز که در زمان مسؤولیت کفاشیان در فدراسیون به اردبیل مسافرت کرد در گزارشی وابستگی خود به هیات استان اردبیل را نشان داده است.

حال با این وضعیت و فضای حاکم در مدیریت فدراسیون و این که آقایان مسؤول در کمیته های مختلف دوست ندارند و نمی خواهند موقعیت به دست آمده را از دست بدهند همه توانایی ها و امکانات را بسیج می کنند تا دوستانشان را در هیات های استانی ابقا بکنند که نمونه ای از این ادعا ، نامه دوم شدن فوتبال اردبیل در سطح کشور می باشد.

استان های برخوردار و کم برخوردار

در جریان سفر و بنا به گفته تاج مشخص گردید که هیات های استانی در دو گروه برخوردار و کم برخوردار مورد ارزیابی قرار می گیرند و استان اردبیل در گروه هیات های کم برخوردار بعد از استان لرستان (که رئیس هیاتش رئیس سازمان لیگ است) در سکوی دوم قرار گرفته است و از استان هایی مانند ایلام، کرمانشاه، کردستان، سیستان و بلوچستان ، کهگیلویه و بویر احمد ، آذربایجان غربی و ... پیشی

گرفته است ولی در نامه ای که تنظیم شده و به اداره کل ورزش و جوانان استان ارسال شده است امور استان های فدراسیون به بحث استان های کم برخوردار اشاره نکرده و به نوعی با تحریف واقعیت ها در راستای انحراف افکار عمومی و گول زدن و فریفتن آنها اقدام کرده است.

این کار با چه قصد و هدفی انجام پذیرفته است؟ مگر نه این است که مسؤولین و کسانی که در نظام مقدس در هر پست و مسؤولیتی که هستند امانتدار به شمار می روند و باید از امانتی که در اختیار آنها می باشد به درستی و با تمام وجود حفاظت بکنند پس چرا آقایان به راحتی واقعیت ها را زیر پا می گذارند و به جای این که به صراحت اعلام نمایند که اردبیل در گروه استان های کم برخوردار در جای دوم قرار گرفته است این هیات را در سطح کشور دوم معرفی می کنند؟ آیا این اقدام آقایان قابل پیگیری نیست؟ آیا افرادی که به این قبیل کارها دست می زنند و برای تثبیت موقعیت دوستان و همسویان واقعیت ها را وارونه جلوه داده و حقایق را در زیر پاهایشان پایمال می کنند می توانند قابل اعتماد باشند؟

حال که رئیس فدراسیون به رفتارهای حساب شده و جانبدارانه و خارج از عرف همکارانش در امور استان ها آگاهی یافته است در قبال آنها باید چگونه رفتار نماید و با کسانی که جمعی را به تمسخر می گیرند و به دور از واقعیت موردی را به آنها تحمیل می نمایند به چه نحو تصمیم گیری می کنند.

آیا افرادی که به عنوان امور استان های فدراسیون انجام وظیفه می کنند و آگاهانه با تحریف واقعیت ها صلاح فوتبال استان ها را نادیده گرفته و نفع خود و دوستانشان را مقدم بر هر چیزی می پندارند صلاحیت ادامه فعالیت در چنین پست مهمی را دارند؟ نحوه عملکرد گروهی و حساب شده آنها به نفع خود نیازمند یک بررسی علمی است تا مشخص شود حضرات برای این که خود باشند و موقعیت شان با خطری مواجه نباشد به چه کارهایی دست زده و احیاناً چگونه و به چه نحوی فوتبال را قربانی نموده اند.

حالا که کم کم رفتارهای جانبدارانه برخی ها آشکار می شود این بار نوبت رئیس فدراسیون فرا می رسد که با قاطعیت به این داستان ها پایان بدهد و کسانی را که می خواهند حق و واقعیت را در زیر پای بودن، ماندن و کرسی را ازدست ندادن قربانی کنند با قاطعیت برخورد بکند و تلاش را بر این استوار سازد که حق را به حقدار برساند و از هرگونه تحریف و توهین به افکار عمومی جلوگیری بکند.

تاج باید بداند با نامه ای که متن آن جعلی است به شعور ورزشکاران و ورزشدوستان و جامعه فوتبالی اردبیل توهین شده است و عاملین این

اقدام نابخردانه باید از مردم و ورزشی های همیشه قهرمان و حسینی این استان عذرخواهی بکنند.

توانست در بین استان های کم برخوردار از هیات استان لرستان که مسؤولیتش بر عهده بهاروند دیگر حامی هیات استان اردبیل در فدراسیون است، پیشی بگیرد؟!!!

مجمع سالیانه

وقتی تاج با سؤال چرا در شش سال گذشته مجمع سالیانه هیات فوتبال استان تشکیل نیافته است ، مواجه شد ابتدا سکوت کرد. وقتی در ادامه به وی گفته شد مگر نه این است که فدراسیون و امور همیشه فعال استان های آن سنگ اساسنامه را به سینه می زنند و مدعی هستند که همه امور هیات های استانی باید بر اساس اساسنامه به پیش برود پس چرا در قبال عدم تشکیل مجمع که اقدامی کاملا بر خلاف اساسنامه است تاکنون عکس العملی نشان نداده است؟ زمانی که طالقانی علاقه خود به هیات فوتبال استان را نشان می دهد چرا در این ارتباط به فوتبال منطقه کم لطفی کرده است؟ در شش سال گذشته گردش مالی این هیات به چه ترتیب قانونی تلقی می شود؟ برنامه های سالانه این هیات چگونه اجرایی شده اند؟

تاج در جواب این سؤال گفت: مجمع باید هر سال یک بار تشکیل می شد. تشکیل نشدن مجمع و مصوب نشده اعتبارات و هزینه های آن در هر سال مطمئنا در حسابرسی ها مساله ساز می شود و به صراحت می توان گفت که این کار بر خلاف اساسنامه است و باید مورد بررسی قرار بگیرد. وقتی این بحث را ما در نشریه مطرح می کردیم و لزوم تشکیل مجمع سالیانه را یادآوری می نمودیم لشگری از نمک پرورده ها در فضای مجازی راه می افتادند و ما را میهمان ادب، متانت و بزرگواری خود می کردند و با چهره هایی در زیر نقاب هرآنچه لایق خود و اربابان نشان بود نثار ما می کردند.

دبیر هیات استان نیز که فوراً بیانیه نوشته شده توسط دیگران را به نام خود منتشر می نمود و ما را به دلیل بیان واقعیت ها منقلی و خائن فوتبال معرفی می کرد . حالا منتظر می مانیم که این آقایان بعد از تایید گفته های ما توسط رئیس فدراسیون فوتبال، برای تاج چه نقشه ای می کشند و او را با چه ادبیاتی مورد خطاب قرار می دهند؟

به راستی حالا باید پرسید که دشمن فوتبال کیست؟ ما که حقایق را بازگو می کردیم و چگونگی عمل نشدن به اساسنامه و قانون را یادآوری می کردیم و یا آنهایی که با حمایت امور استان های فدراسیون به راحتی در شش سال گذشته قانون و مقررات را زیر پا له کردند و آن را دور زدند و به هر ترتیبی که خواستند ، بریدند و

دوختند و پوشیدند؟

حال دوباره با این نوشته دشمنان همیشه نقاب بر چهره و دبیر هیات استان (قانونی و غیر قانونی بودنش بماند) دوباره راه نیفتند تا برای به فراموشی سپردن حقایق، جار و جنجال راه انداخته و بساط تهمت زنی و مارک چسباندن را پهن بکنند. اگر واقعا دلشان به فوتبال می سوزد و مدعی هستند که همه اقدامات آنها بر اساس اساسنامه بوده است به این سؤال پاسخ بدهند که چرا نتوانستند در شش سال گذشته برای یک بار مجمع را برگزار بکنند و به همه اقداماتشان چه مالی و چه اجرایی چهره قانونی ببخشند.

بعضی وقت ها شنیده می شود که آقایان مدعی هستند هیات برای برگزاری مجمع به فدراسیون نامه نوشته و آنها برای تحقق این امر اقدام نکرده اند. آیا این دلیلی بر ادامه یک کار غیر قانونی در طول شش سال می تواند باشد؟ قانون همه امور را پیش بینی کرده است و می توانستند با توسل به آن به طرق مختلف مجمع را برگزار بکنند ولی وقتی اراده ای نباشد و یا کاسه ای زیر نیم کاسه باشد نتیجه این می شود که برخلاف تاکید صریح و روشن اساسنامه در شش سال گذشته کاری غیر قانونی در هیات استان انجام پذیرفته و با توجه به حمایت های امور استان های فدراسیون آب از آب تکان نخورده است.

آیا در این ارتباط امور استان های فدراسیون کم کاری نکرده است؟ آیا آنهایی که مسئولیت دارند یک بار سؤال نکردند که چرا این مجمع تشکیل نمی شود؟ چگونه آقایان می توانند به سرعت نور جواب یک نامه را با دستکاری در واقعیت ها بدهند ولی در طول شش سال برای یک بار به یاد مجمع سالانه این استان نیفتادند؟

وقتی به تاج گفته شد که با جمع بندی موضعگیری های فدراسیون و امور استان های آن در قبال فوتبال اردبیل در شش سال گذشته انسان به این نتیجه می رسد که شاید هر وقت نامی از فوتبال این منطقه ذکر شود آقایان در فدراسیون می گویند با با ول کنید مورچه چه هست که کله و پاچه اش چه باشد؟ اردبیل در کجای فوتبال قرار دارد که برای مجمع سالیانه اش فکر کنیم و یا برای مجمع انتخاباتی اش برنامه ریزی کنیم؟ بگذارید به همین نحو ادامه بدهند و صدایشان در نیاید. خوب آنهایی هم که هستند هماهنگ با ما بوده و یک رای ثابت در همه رای گیری ها داریم پس ملالی نیست.

در اجرای این سیاست گویا یکی از دوستان همراه تاج در سفر گفته است که اگر کارها به روال موجود باشد تا ده سال دیگر هم مدیریت هیات استان به همین نحو ادامه خواهد یافت. (نقل به مضمون). جل الخالق قدرت، توانایی و ابهت و نفوذ برخی ها را باید در فدراسیون با این نقل و قول ها درک کرد و با حاکمیت این تفکر درب برگزاری

مجمع و تغییر در سیاست های فوتبال استان را تخته کرد و به هیچ تحول و برنامه ای امیدوار نشد.

نمی دانم چرا آقایانی که سنگ ورزش را به سینه می زنند و فوتبال استان را در جاده پیشرفت و تعالی و همه اقدامات هیات را قانونی می پندارند چرا برای یک بار به این کار نمی پردازند که آقایان اگر قرار است هیات بر اساس اساسنامه موجود بچرخد پس چرا در شش سال گذشته این مهم یعنی برگزاری مجمع و مصوب شدن برنامه ها و اعتبارات هیات انجام نشده است؟

امور استان های فدراسیون بهتر است این امر را نیز شفاف سازی بکند که در ارزیابی استان ها از 1000 امتیاز ، برگزاری مجمع سالانه می تواند چند امتیاز به اندوخته های هیات اضافه بکند. آیا امتیاز مجمع برگزار نشده به سبب هیات منظور شده است؟ و اگر نه آیا در صورت برگزاری و اختصاص امتیاز مربوطه استان اردبیل می توانست در بین استان های کم برخوردار از هیات استان لرستان که مسؤولیتش بر عهده بهاروند دیگر حامی هیات استان اردبیل در فدراسیون است، پیشی بگیرد!!!

معمای نایب رئیس بانوان

سؤال بسیار ساده و آسان بدون کوچک ترین ابهام مطرح می کنم که امید وارم از سوی مسؤولین جوابی قانع کننده به آن داده می شود . مخصوصا امور استان های فدراسیون حامی هیات فوتبال استان در این ارتباط پیشقدم باشد.

نائب رئیس بانوان هیات فوتبال استان اردبیل کیست؟

در صورتجلسه ای که برای جلسه رؤسای هیات های استان در حضور تاج رئیس فدراسیون تنظیم شده است خانم ایناز غیایی صورت جلسه را با عنوان نائب رئیس بانوان امضاء کرده است.

صورت جلسه ای که تصویر آن ر اختیار علاقه مندان قرار گرفته است مربوط به تاریخ 14/12/91 است. همان مجمعی که با ترک جلسه توسط احد پازاج مدیر کل وقت ورزش و جوانان از رسمیت افتاد. اگر به امضای صورتجلسه دقت شود امضای رئیس فدراسیون و مدیر کل ورزش و جوانان در آن دیده نمی شود و در اساسنامه ای که هیات فوتبال استان ادعا می کند که همه اقدامات و کارهایشان بر اساس آن می باشد به صراحت آمده است که مجمع با حضور یکی از این دو یعنی رئیس فدراسیون

و یا مدیر کل ورزش و جوانان رسمیت پیدا می کند. وقتی امضای هیچ کدام از اینم دو مسؤول در صورتجلسه مشخص نبوده و نیست بنا بر این مصوبات آن نیز قانونی نبوده و نخواهد بود .

اگر به بند بند مصوبات که در صورتجلسه قید شده دقت شود مشخص است

که خانم سمیرا فرمانی به عنوام نائب رئیس معرفی گردیده ولی مدت هاست که در جلسات و مراسم و گردهمایی های مختلف آیناز غیایی به عنوان نائب رئیس شرکت می کند و در جلسه اعضای هیات استان و رؤسای شهرستان ها با رئیس فدراسیون نیز حضور یافته و صورتجلسه را نیز با سمت نائب رئیس بانوان امضاء کرده است.

از طرف دیگر بند 3 ماده 10 اساسنامه هیات های استانی به صراحت بیان می کند که نواب رئیس به پیشنهاد رئیس هیات فوتبال استانو با تائید مجمع عمومی انتخاب می شود و به عبارتی دیگر هر فردی به عنوان نائب رئیس موقعی می تواند فعالیت رسمس و قانونی داشته بتاخذ که انتخاب وی یبه تائید مجمع همومی هیات های استانی برسد. با شرحی که رفت اولاً انتخاب خانم سمیرا فرمانی بر اساس صورتجلسه یاد شده غیر قانونی بوده چرا که با ترک جلسه توسط احدی از اعضا، جلسه از رسمیت افتاده است و مصوبات آن نمی تواند قانونی باشد. از طرف دیگر حضور فریدون اصفهانیان در مجمع و امضای صورتجلسه توسط وی ضرورتی نداشته و بر اساس اساسنامه حضور وی در مجمع نمی تواند دلیلی بر قانونی بودن آن باشد.

ثانیاً در حال حاضر نیز که خانم غیایی به عنوان نائب رئیس مشغول به کار بوده و صورتجلسه را نیز تحت این عنوان امضا کرده است در کدام مجمع وی توسط رئیس وقت هیات استان معرفی شده و از مجمع رای اعتماد گرفته است؟

آیا رفتار بر خلاف تاکید صریح ، روشن و آشکار اساسنامه خلاف نیست؟ اگر چنین حرکتی از دیگران سر می زد نمک پرورده ها و سینه چاکان هیات فوتبال استان چه ها که نمی کردند و جو را آشفته نمی نمودند و چه اتهاماتی که نمی زدند. کافی است آقایان به این سؤال ساده و پیش پا اذفتاده پاسخ بگویند و مدارک مربوط به انتخاب خانم غیایی به نائب رئیسی بانوان هیات استان و مصوبه مجمع عمومی را ارائه بدهند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

امیدواریم کمیته امور استان های فدراسیون و طالقانی مسؤل کمیته که این روزها به دلیل برتر شدن هیات خوزستان در کشور از خوشحالی سر از پا تنمی شناسد به این سؤال و چگونگی آن پاسخ بدهد. انشاله

